

محمود نبی پور:

## جنگ باید به ما بصیرت و ضرورت دشمن شناسی عطا بخشد



۵۰ تا ۶۰ کیلومتر از جاده آزاد بود و بقیه جاده زیر تیر مستقیم و غیر مستقیم توپخانه و خمپاره دشمن قرار داشت و محل عقبه بچه‌های سپاه و ارتش ۳۰ کیلومتری از شهر سومار فاصله داشت. پس از طی این دوره کوتاه سه ماهه، بلافاصله به عضویت رسمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در آمد. در سپاه منطقه سه شمال که آن موقع استان‌های گیلان، مازندران و گلستان فعلی و بخشی از استان به مرکزیت چالوس را شامل می‌شد که در طول دوران آموزش دو هفته‌ای مسئولیت اجرایی برنامه‌ای فرهنگی آموزش قرآن به عهده داشت و در واحد اعزام نیروی سپاه منطقه ۳ که بعداً مزین به نام پادگان شهید برکتی شد، به فعالیت پرداخت. تا در سال ۱۳۶۲ در خراسان این فرصت بحث آموزش طرح جنگل را گذرانیدم که یک ماه دوره تخصصی آموزش برای سپاه را خالی کرد این طرح که به طرح سپاهیان محمد (ص) مطرح بود از میان نبروهای کادر سپاه منطقه سه مازندران جمع قابل توجهی مهیا شدند و این جمع یک آموزش هماهنگی کوتاه مدت را در پادگان مرز آباد چالوس دیدیم و بعد از آموزش در شهرهای گرگان، ساری و بابل رژه آمدگی را طی کردیم از آنجا به تهران آمدیم و بعد به بحث آزادسازی نیروهای سپاه و حضور در جبهه‌ها با حضور بی سابقه‌ای مواجه شد که یک دوره شش ماهه ماموریت حضور درجبهه‌های غرب کشور تحت فرماندهی قرارگاه حمزه سیدالشهدا در شهر تخصصی به جمع زیاد آموزش داد که من هم در آن جمع بودم که توانستم با اهداف خون شهدا، این عملیات دشمن را خنثی کنیم. همچنین در این سال یک دوره طرح آزادسازی نیروهای سپاه به نام طرح والعدایات برگزار شد که هدف از آن با توجه به گستردگی جبهه‌های جنگ از نظر اقلیم و مناطق

آغاز جنگ تحمیلی، همزمان بود با اتمام تحصیلات متوسطه مهندس محمود نبی پور. ایشان با شروع جنگ تحمیلی به قالب نیروی بسیج که با تشکیل جلسات ایام عاشورا در حسینیه محل اقامت خویش در یکی از روستاهای استان مازندران و ذکر مناقب اهل بیت و آشنایی با فرهنگ عاشورا و شهدای صحرای کربلا حال شرایطی که بر جنگ حکمفرما بود، به نوعی در خود احساس تعهد و وظیفه نمود که در جبهه‌ها حضور یابد. در این راستا به اتفاق یکی از دوستانش به بسیج شهرستان بابل مراجعت نمودند که با شرایط سنی که آنها داشتند این امکان برای عزمیت به جبهه‌ها برای آنان میسر نبود. اما آنها تصمیم می‌گیرند که خود عازم جبهه‌های غرب کشور شوند. هم‌راه سال ۱۳۵۸ به تهران آمدند و پس از اقامه نماز جمعه با یک دستگاه اتوبوس از طرف ترمینال غرب به سمت سنندج حرکت کردند. پس از این طی مسافرت و رجوع به پادگان لشکر ۲۸ کردستان این پاسخ به آنها داده شد که اینجا مرکز اعزام نیرو نمی‌باشد و بایستی به مرکز اعزام نیروی غرب کشور برای اعزام به کرمانشاه مراجعه نمایند. این دو نوجوان سپس برای اعزام به کرمانشاه رفتند. یکی دو شبی را در کرمانشاه گذرانند. به بعد از محرم از طریق سنندج همان حرفی را به آنها زدند که بسیج سپاه شهرستان خودشان، بایستی دو هفته‌ای آموزش ببینند منتظر اعزام بنمایند. آنها گفتند همین حرف‌ها را بچه‌های سپاه شهرستان خودمان زده‌اند و ما این همه راه آمده ایم که زودتر اعزام شویم. پس از شنیدن این حرف‌ها با دوستش تصمیم می‌گیرند که به شهرستان برگردند و در مراسم عزاداری محرم باشند و سپس از طریق بسیج سپاه شهرستان بابل ثبت نام و پس از طی دوره آموزشی در جبهه‌ها حضور یابند. مهندس نبی پور با بیان این مطلب در خصوص آغاز حضور خود در جبهه‌ها اظهار داشت: در دی ماه همان سال پس از ایام عاشورای حسینی عازم جبهه‌های غرب کشور شدیم. محل اعزام ما شهرستان سومار بود. که این اعزام سه ماه به طول انجامید. در آن مقطع که عازم جبهه شدیم شهرستان سومار و نفت شهر تماماً در اختیار نیروهای عراقی بود. حد فاصل گیلانغرب تا سومار به میزان

## جبهه، فرصتی برای خود شناسی بود



عباس باقری ۲۲ ساله و دارای شغل آزاد بود که پس از طی دوره آموزشی به مدت ۱۹ ماه دوران خدمت مقدس سربازی خود آغاز و در چند عملیات در مناطق فکه، ابو غربیب حضور داشت. وی حال و هوای جبهه‌ها را در از خودگذشتگی، دوستی و صمیمیت، یکدلی و در یک کلام عشق خلاصه می‌نماید و می‌گوید با وجود سختی‌های زمان جنگ از بهترین دوران زندگی‌اش بوده همچنین در این مدت نیز مجروح شده است. وی حضور در جبهه‌ها، هر روز و ساعتش را سرشار از خاطرات شیرین می‌داند که تلخی آن به خاطر از دست دادن بهترین دوستان و شیرینی آن نیز به دلیل دوستی‌های صمیمانه و واقعی، از خودگذشتگی‌های غیر قابل وصف بر می‌شود. باقری تفاوت جبهه‌های جنگ با پشت جبهه را یافتن خویش و خودشناسی می‌داند و می‌افزاید: وقتی به جبهه رفته فکر می‌کردم فرق جبهه با پشت جبهه به خاطر وجود جنگ، توپ و خمپاره است ولی بعد از مدت کوتاهی پی بردم که وقتی پا به جبهه‌ها می‌گذارم، دنیای گذشته‌ات را بایستی به فراموشی بسپاری خود را از نو پیدا کنی. من در مدت حضور ۱۹ ماهه خویش در جبهه‌ها که از تنگه چزابه شروع و در تنگه ابوقریب با مجروحیتیم به اتمام رسید دوستان و هم‌زمان زیادی یافت

میبینم احساس شرم میکنم که رزمندگان ما نیز حضور در جبهه‌ها عین بودن با نور و روشنی می‌دانستند و ماندن در خانه به عنوان نشانه‌ای از ظلمت برای خود قلمداد می‌کردند. به گونه‌ای که حتی وقتی می‌خواستند به مرخصی بروند، لحظه شماری می‌کردند برای بازگشت به جبهه‌ها که نمونه‌های آن را برای اشتیاق بی‌صبرانه رزمندگان برای رفتن به خط مقدم و حضور در عملیات می‌توان یاد کرد. مهندس نبی پور این آموزه عمیق و بنیانی دینی را راهشمار رزمندگان جبهه‌های جنگ می‌داند که همه از خدایم و به سوی خدا می‌رویم که با پذیرش و باور قلبی این آیه، رزمندگان همه فعل و قول خود را برای خدا می‌دانستند که این از نشانی‌های بارز جهاد اکبر بود و کسانی از آنها که به درجات بالای خلوص معنوی رسیده بودند نمونه تجلی زمین این روحیه ملکوتی بودند که گویی هر لحظه در محضر خدا زندگی میکنند و همیشه مراقب همه حالات خود بودند که نشان غیر خدایی در آن جای نگذرد. برای اینکه این روحیه تمام داشته باشد باید تلاش کنیم و گرامی‌داشت روزها و دفاع مقدس، روز بسیج، روز پادگان‌های بزرگ چون ایام... فرهنگ را به میان مردم و خانواده‌ها ببریم تا این عرصه‌ها زنده بمانند. وی افزود: در هر عرصه‌ای باید از فرصت‌های آن استفاده کرد، وظیفه و رسالت خود را به خوبی به انجام رساند. چنانکه به فرمایش نبی گرامی اسلام (ص) بعد از جنگ به پارتاش گفت، هرچا به شما که از جهاد اصغری فارغ شدید و اکنون نوبت جهاد اکبر است که مبارزه با نفس و دشمن درون است که این باطن برای ما یک الگویی عملی باشد که نیاز اگر در این زمینه کار کنیم و دنبال روشن کردن دیگران نباشیم، این نکته‌ای است که تمام ما را در بر آن قرار داده‌اند که ماسع کنیم خودمان را به مبانی اسلام نزدیک کنیم و از اتفاقاتی که در تاریخ افتاده عبرت بگیریم. غزوات و جنگ‌هایی که بر پیامبر اسلام (ص) و حضرت علی (ع) پیش آمده، همچنین رخدادهای دوسه‌سده اخیر را باید مرور کنیم که مصون از خطر نیستیم. دشمن بیکار نمی‌نشیند و به‌تازگی ما را تهدید می‌کند و در قالب‌های مختلف که بایستی هوشیار باشیم که دشمن نمی‌خواهد ما با موفقیت روبرو باشیم.

## ما وظیفه داریم که از خط امام و رهبری جدا نشویم

مسئول بودن چنان تواضعی در رفتارش هویدا بود که ما احساس نمی‌کردیم یک بسیجی ساده هستیم. او می‌گوید که در این مقطع زمان، ما وظیفه داریم که از خط امام و رهبری جدا نشویم و در برهه‌ای که همه استکبار با تغییر جبهه جنگ خود در تغییر جبهه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است باید پشتیبان ولایت باشیم.

امام را عامل دلگرمی خویش می‌دانم. در وصف دوران دفاع مقدس به این بسنده می‌کنم که مردان بی‌ادعایی بودند که این فرهنگ را برای ملت به ارمان آوردند و اگر گذشت، غیرت و دین باوری را گزیدند. معلوم نبود که چه سرنوشتی در انتظار ما بود. وی در ذکر خاطره‌ای از شهید فلاحی می‌گوید که با وجود پاسدار رسمی بودن و

مهندس فریدون صالحی

## انگیزه حضور در جبهه‌ها دفاع از آرمان‌های انقلاب اسلامی بود



مهندس فریدون صالحی دانشجو بود که زمان حضور ایشان در جبهه‌های جنگ، فضای سرشار از همدلی، هم‌رنگی، برادری و ایثار و عشق بر می‌شود. آن زمان برای مناعت و همدلی را محصول دوران دفاع مقدس در خود می‌شناسد. آن زمان برای مهندس صالحی دوران یکرنگی و غم و چند ماه هم در نفت شهر و سومار خلاصه می‌شود که در نقش معاون امنیتی و عملیات گردان قدس خدمت نمود. وی دفاع از آرمانهای ملت شریف ایران و خاک وطن را از اهداف و انگیزه‌های حضور خود در

جبهه‌ها می‌داند. همچنین فضای جبهه‌های جنگ را فضای سرشار از همدلی، هم‌رنگی، برادری و ایثار و عشق بر می‌شود. آن زمان برای مناعت و همدلی را محصول دوران دفاع مقدس در خود می‌شناسد. آن زمان برای مهندس صالحی دوران یکرنگی و غم و چند ماه هم در نفت شهر و سومار خلاصه می‌شود که در نقش معاون امنیتی و عملیات گردان قدس خدمت نمود. وی دفاع از آرمانهای ملت شریف ایران و خاک وطن را از اهداف و انگیزه‌های حضور خود در

تهیه، تنظیم و ویرایش: روابط عمومی شرکت نفت مناطق مرکزی ایران